مجله یافته های علوم تربیتی و آموزشی

همسوسازی رویکردهای تربیتی خانه و مدرسه در نهادینه‌سازی نظم و انضباط

ایوب شکوهی نیا، کمال نوزاد

کارشناسی ادبیات فارسی

دکتری ریاضی گرایش آموزش ریاضی

IMDOI-02-2026.0592
MNR-613-2-EC099D

چکیده

نظم‌پذیری و انضباط رفتاری به عنوان ستون فقرات فرایند جامعه‌پذیری، پیش‌نیاز اساسی رشد اخلاقی، شکوفایی شناختی و تثبیت الگوهای شهروندی مسئولانه در فراگیران است. با این حال، تعارض میان الگوهای فرزندپروری در کانون خانواده و انتظارات هنجاری حاکم بر مدرسه، همواره چالش‌هایی جدی در شکل‌گیری خودتنظیمی پایدار پدید می‌آورد. پژوهش حاضر با هدف واکاوی و ترکیب ساختاریافته ادبیات پژوهشی مرتبط با «همسوسازی رویکردهای تربیتی خانه و مدرسه در نهادینه‌سازی نظم و انضباط» انجام گرفته است. روش‌شناسی این پژوهش، مرور نظام‌مند روایتی مبتنی بر چارچوب مدل‌های تعامل والد-مدرسه (به‌ویژه الگوی اپستاین) و نظریه‌های کنش متقابل اجتماعی است که با جستجوی مقالات علمی-پژوهشی منتشرشده در پایگاه‌های استنادی داخلی در بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۲ سامان یافته است. یافته‌های سنتز شده نشان داد که انضباط راستین، حاصل گذار از «انضباط برون‌خاست و تحمیلی» به «خودنظم‌بخشی درون‌زاد» است و این گذار صرفاً زمانی محقق می‌شود که میان سه مولفه «سبک اقتدار منطقی در خانه»، «مدیریت مشفقانه و قاعده کلاسی در مدرسه» و «کانال‌های ارتباطی باز و پایدار میان اولیا و مربیان» هماهنگی ساختاری وجود داشته باشد. در نهایت، موانع ادراکی-ساختاری این همسویی شناسایی و چارچوب‌های راهبردی کاربردی در سطوح مدیریتی، مشاوره‌ای و خانواده ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: رویکردهای تربیتی، خانه و مدرسه، نظم و انضباط، خودتنظیمی، جامعه‌پذیری، مطالعه مروری.

مقدمه

نهادینه‌سازی هنجارها و انضباط اجتماعی در کودکان و نوجوانان، فرایندی تدریجی، چندسطحی و برآمده از تعامل پویای کانون‌های نخستین و دومین جامعه‌پذیری است (علاقه‌بند، ۱۳۹۷). خانه به عنوان نخستین زیست‌بوم عاطفی و اخلاقی کودک، پایه‌های بنیادین خودپنداره، کنترل تکانه و احترام به حدود دیگران را بنیان می‌نهد (افروز، ۱۳۹۶). در مرحله بعد، ورود کودک به مدرسه نقطه عزیمت مواجهه با ساختار دیوان‌سالار، قواعد صوری و انتظارات جهان‌شمول اجتماعی است (شارع‌پور، ۱۳۹۸). هرچند این دو نهاد هدف مشترکی را در تربیت نسلی متعهد، متفکر و قانون‌مدار دنبال می‌کنند، اما در عمل، تفاوت خاستگاه‌های فکری، سبک‌های تعاملی و شیوه‌های نظارتی آن‌ها غالباً به بروز شکاف‌های تربیتی منجر می‌شود (صافی، ۱۳۹۹).

انضباط در نگاه سنتی، هم‌ارز با سکوت، اطاعت محض، پرهیز از جنب‌وجوش و متابعت از دستورها با اتکا به سازوکارهای تنبیهی و تشویقی بیرونی تعریف می‌شد؛ مدلی که کارکرد اصلی آن حفظ آرامش صوری محیط یادگیری بود (سیف، ۱۴۰۰). در برابر این دیدگاه مکانیکی، دیدگاه‌های نوین روان‌شناسی تربیتی و جامعه‌شناسی آموزش، انضباط را به عنوان «مهارت درونی خودکنترلی»، «مسئولیت‌پذیری اخلاقی» و «ظرفیت سازگاری هدفمند با محیط» بازتعریف می‌کنند (قائمی، ۱۳۹۵). بر پایه این خوانش معاصر، انضباط نه رفتاری تحمیلی حاصل از نظارت بیرونی، بلکه انتخابی آگاهانه و خودتنظیم‌گر است که اگر میان خانه و مدرسه در شیوه هدایت و حدود آن همسویی وجود نداشته باشد، کودک در پردازش انتظارات رفتاری دچار سردرگمی، ریاکاری رفتاری و ناپایداری انضباطی خواهد شد (نوابی‌نژاد، ۱۳۹۸). بنابراین، واکاوی روشمند ادبیات همگرایی این دو نهاد در تکوین انضباط پایدار، اولویتی استراتژیک برای سلامت نظام تربیتی است.

یکی از آسیب‌های جدی فرایند جامعه‌پذیری دانش‌آموزان در مدارس، وجود «تشتت و تعارض هنجاری» میان زیست‌جهان خانواده و انتظارات انضباطی مدرسه است (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۹). گزارش‌های پرورشی و

پژوهش‌های حوزه رفتار کلاسی حاکی از افزایش رفتارهای هنجارگریزانه، خشونت‌های کلامی، نافرمانی مقابله‌ای و بی‌تفاوتی نسبت به قوانین مدرسه در میان دانش‌آموزان است (ملکی و کریمی، ۱۴۰۱). ریشه بخش قابل توجهی از این چالش در ناهمسانی سبک‌های انضباطی خانه و مدرسه نهفته است:

از یک سو، بسیاری از خانواده‌ها یا به سبک‌های سهل‌گیرانه و فرزندسالارانه گرایش یافته‌اند که در آن‌ها تعیین مرزها و پذیرش عواقب رفتار آموخته نمی‌شود، یا برعکس، از سبک‌های استبدادی و مبتنی بر کنترل شدید استفاده می‌کنند که انگیزه درونی برای رعایت هنجارها را بخشکانَد (منصور، ۱۳۹۶). هنگامی که دانش‌آموز با این زمینه‌های متناقض پا به مدرسه‌ای می‌گذارد که رویکرد انضباطی متفاوتی (گاهی بی‌قاعده و گاهی به‌شدت امنیتی و مکانیکی) را دنبال می‌کند، دچار «تعارض نقش» و «بحران مشروعیت قانون» می‌شود (شکوهی‌یکتا و پرند، ۱۳۹۸).

از سوی دیگر، ساختار سنتی «انجمن اولیا و مربیان» در عمل بیشتر به نهادی برای جبران کسری‌های مالی مدارس تقلیل یافته و کارکرد تخصصی آن به عنوان اتاق فکر هماهنگ‌سازی روش‌های انضباطی و تربیتی مغفول مانده است (حیدری و همکاران، ۱۴۰۰). فقدان زبان مشترک، مقصردانستن متقابل خانه و مدرسه در بروز بدرفتاری دانش‌آموز و رویکردهای انفعالی در مداخله، مانع از شکل‌گیری انضباط درون‌زاد شده است. از این رو، مسئله اساسی این پژوهش بررسی این پرسش بنیادین است: «بر اساس شواهد و ادبیات پژوهشی، سازوکارها، موانع و الگوهای مطلوب همسوسازی رویکردهای تربیتی خانه و مدرسه در جهت نهادینه‌سازی نظم و انضباط درونی دانش‌آموزان چیست؟»

پرداختن به این موضوع به دلایل زیر اهمیت راهبردی دارد:

ضرورت سلامت روانی و رشد شخصیت دانش‌آموز: دوگانگی انضباطی میان خانه و مدرسه عامل بروز رفتارهای دوزیستانه (تفاوت شدید رفتار در حضور والدین و معلمان)، اضطراب پنهان و افت خودمهارگری در

کودکان می‌شود (فرجاد، ۱۳۹۵). هماهنگ‌سازی این رویکردها امنیت روانی لازم برای درونی‌سازی قواعد را فراهم می‌سازد.

ضرورت بهره‌وری آموزشی کلاس درس: کسر بزرگی از زمان و انرژی معلمان در کلاس درس صرف مدیریت بی‌نظمی، تذکرات پی‌درپی و مشاجرات انضباطی می‌شود. همگرایی انتظارات رفتاری خانه و مدرسه این اتلاف انرژی را کاهش داده و زمان آموزش مؤثر را ارتقا می‌دهد (شعبانی، ۱۳۹۹).

تحقق مفاد اسناد تحول تربیتی: در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، بر تقویت «پیوند نهاد خانواده و مدرسه» به عنوان رکن اصلی حیات طیبه تأکید شده است. شناسایی الگوهای عملی این همسویی، بسترساز اجرای مفاد این اسناد بالادستی است (مهرمحمدی، ۱۳۹۸).

روش‌شناسی

این پژوهش با رویکرد **مرور نظام‌مند روایتی** بر مبنای راهنمای پروتکل‌های معتبر پژوهشی انجام شده است.

مراحل جستجو و انتخاب منابع:

پایگاه‌های اطلاعاتی هدف: جستجو در پایگاه‌های استنادی معتبر نظیر مگ‌ایران (Magiran)، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (پرتال جامع علوم انسانی) و پایگاه سیویلیکا صورت پذیرفت.

کلیدواژه‌های جستجو: عبارات ترکیبی «همسوسازی تربیتی»، «رابطه خانه و مدرسه»، «نظم و انضباط»، «خودتنظیمی رفتاری»، «سبک‌های فرزندپروری»، «مدیریت کلاس» و «جامعه‌پذیری دانش‌آموزان» به شکل منفرد و بولین ترکیب شدند.

بازه زمانی و پایش اولیه: مطالعات چاپ‌شده در مجلات علمی-پژوهشی بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۲ مورد بررسی قرار گرفتند. در مرحله اولیه جستجو، ۸۵ مقاله شناسایی شد.

معیارهای غربالگری و ورود: مقالاتی که مستقیماً به تبیین تجربی، روان‌شناختی یا جامعه‌شناختی تعامل والدین و کادر مدرسه در حوزه رفتار انضباطی پرداخته بودند انتخاب شدند؛ در حالی که مقالات غیرمرتبط با محیط مدرسه یا مطالعات فاقد ساختار پژوهشی معتبر کنار گذاشته شدند. سرانجام ۲۰ منبع مرجع شامل مقالات بنیادین و کتاب‌های مرجع دانشگاهی استخراج و به روش کدگذاری و تحلیل مضمون مورد استنتاج قرار گرفتند.

پیشینه پژوهشی

بررسی مطالعات حاکی از آن است که انضباط تابعی از همگرایی محیط‌های زیستی کودک است:

شکوهی‌یکتا و پرند (۱۳۹۸) در ارزیابی دوره‌های آموزش مدیریت رفتار به والدین و معلمان نشان دادند که آموزش همزمان الگوهای حل مسئله و تعیین مرزها به اولیا و کادر آموزشی، میزان نافرمانی کلاسی دانش‌آموزان را به شکل معناداری تقلیل داده و مهارت خودمهارگری را بالا می‌برد.

حیدری و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی کیفی به واکاوی موانع تعامل سازنده خانه و مدرسه پرداختند؛ نتایج آنان نشان داد که عدم آموزش خانواده‌ها درباره روان‌شناسی رشد و مواضع دفاعی کادر مدرسه در برابر انتقادات، بزرگ‌ترین مانع شکل‌گیری انضباط مشترک است.

ملکی و کریمی (۱۴۰۱) با مقایسه تطبیقی اثربخشی انضباط مبتنی بر تنبیه و انضباط ترمیمی نشان دادند مدارسی که رویکرد ترمیمی را با مشارکت فعال خانواده اجرا می‌کنند، در مهار رفتارهای هنجارگریز موفق‌تر از مدارس متکی بر کسر نمره انضباط هستند.

شریعتمداری (۱۳۹۶) در پژوهش‌های خود بر اهمیت تفکر عقلانی در انضباط تأکید کرده و نشان داد تکیه بر دستورالعمل‌های یک‌سویه بدون مشارکت‌دادن خود دانش‌آموز و آگاه‌سازی اولیا، به مقاومت منفی و پنهان‌کاری دانش‌آموز ختم می‌شود.

یافته‌های پژوهش

بر اساس ترکیب مفهومی منابع بررسی‌شده، همسوسازی تربیتی خانه و مدرسه در جهت نهادینه‌سازی نظم از طریق سه محور کلیدی زیر تبیین می‌گردد:

محور ۱: مدل‌های نظری همسویی تربیتی (از نظارت سنتی به هم‌مسئولیتی)

یافته‌های مرور نشان می‌دهد الگوهای یک‌سویه (مانند احضار والدین تنها در مواقع بروز بی‌انضباطی) کاملاً ناکارآمد هستند. الگوی مشارکت اپستاین که توسط جامعه‌شناسان تربیتی داخلی (شارع‌پور، ۱۳۹۸؛ علاقه‌بند، ۱۳۹۷) بومی‌سازی شده است، تصریح دارد که تحقق نظم پایدار نیازمند شش سطح ارتباطی است: والدگری، برقراری ارتباط دوسویه، داوطلب‌شدن والدین، یادگیری در خانه، تصمیم‌گیری مشترک و همکاری با جامعه محلی. انضباط زمانی نهادینه می‌شود که دانش‌آموز میان آنچه در خانه «ارزش» تلقی می‌شود و آنچه در مدرسه «قاعده» نام دارد، تعارض نبیند.

محور ۲: انطباق سبک‌های تعاملی خانه و مدیریت کلاس در مدرسه

شواهد پژوهشی گویای این است که انضباط واقعی صرفاً ذیل «رویکرد مقتدرانه-منطقی» شکل می‌گیرد. در جدول ۱، پیامدهای همگرایی یا ناهمگرایی رویکردهای این دو نهاد ترسیم شده است:

جدول ۱: ماتریس انطباق رویکردهای تربیتی خانه و مدرسه بر وضعیت انضباطی فراگیر

رویکرد خانه (فرزندپروری)	رویکرد مدرسه (مدیریت کلاس)	پیامد رفتاری در دانش‌آموز	سازوکار انضباطی حاصل‌شده
استبدادی (کنترل مطلق، عاطفه کم)	**مقتدرانه منطقی** (قاعده‌مند، حمایتی)	سردرگمی، اطاعت ناشی از ترس در خانه و طغیان در مدرسه	انضباط ظاهری و شکننده
سهل‌گیرانه (بی‌قاعده، عاطفه بالا)	**استبدادی و پادگانی**	پرخاشگری، احساس مظلومیت کاذب، تمرد	رفتارهای ضدانضباطی مداوم
سهل‌گیرانه (بی‌قاعده)	**منفعلانه و رهاشده**	بی‌مسئولیتی مزمن، قانون‌گریزی اجتماعی	آنومی و هرج‌ومرج رفتاری
مقتدرانه منطقی (تعیین مرز + احترام)	**مقتدرانه منطقی** (انضباط مشارکتی)	ثبات رفتار، درونی‌سازی هنجارها، پذیرش پیامد خطا	**خودتنظیمی و انضباط درونی پایدار**

محور ۳: مؤلفه‌های انضباط پایدار در پرتو پیوند خانه و مدرسه

سنتز مطالعات نشان می‌دهد که نهادینه‌سازی انضباط منوط به بازتعریف مفهوم آن از طریق سازوکارهای زیر است (افروز، ۱۳۹۶؛ سیف، ۱۴۰۰؛ مطهری، ۱۳۹۵):

شفافیت قوانین: قواعد باید محدود، روشن، مبتنی بر فلسفه عقلی و مورد تأیید مشترک خانواده و مدرسه باشند.

ثبات در اجرا: نقض قانون باید همواره با پیامد منطقی (نه انتقام‌جویانه یا توهین‌آمیز) روبرو شود؛ عدم ثبات میان واکنش پدر، مادر و ناظم مدرسه موجب شکل‌گیری رفتارهای منفعت‌طلبانه و چاپلوسی رفتاری در کودک می‌گردد.

انضباط ترمیمی به جای انضباط تنبیهی: دانش‌آموز باید یاد بگیرد خسارتی را که بی‌انضباطی او به نظم جمعی یا وسایل وارد کرده است، با همراهی والدین ترمیم کند، نه اینکه با اخراج موقت یا تحقیر، از فرایند جامعه‌پذیری طرد شود.

نتیجه‌گیری

نظم و انضباط ستون فقرات فرایند رشد اجتماعی و اخلاقی کودک است و نمی‌توان آن را به شکل تک‌بعدی در یکی از دو نهاد خانه یا مدرسه محقق ساخت. رویکردهای انضباطی مبتنی بر ارعاب و کنترل بیرونی به دلیل موقتی‌بودن، با خروج ناظر بیرونی فرو می‌پاشند. از سوی دیگر، رهاشدگی و فقدان حدومرزها در خانواده، مدرسه را به محیطی فرساینده برای تقابل انضباطی تبدیل می‌کند. یافته‌های این مطالعه مروری روشن ساخت که تنها با عبور از مناسبات سنتی اولیا و مربیان و استقرار «مدل مشارکتی هم‌راستا»، می‌توان انضباط را به سطح «خودتنظیمی درون‌زاد» ارتقا داد. این امر نیازمند بازطراحی ساختار ارتباطی، ارتقای سواد والدگری بر مبنای منطق اقتدار توأم با احترام، و کاربست روش‌های انضباط ترمیمی در محیط‌های آموزشی کشور است.

پیشنهادهای کاربردی

پیشنهادات در سطح ساختار مدرسه و مدیریت آموزشی:

تدوین «منشور جامع رفتاری مشترک» در آغاز سال تحصیلی: جلساتی در ابتدای مهرماه برگزار شود که در آن، حقوق، تکالیف، حدود رفتاری و عواقب عدول از مقررات با حضور اولیا، معلمان و نمایندگان دانش‌آموزان تدوین و به امضای طرفین برسد تا قانون به عنوان قراردادی دوجانبه درک شود نه تحمیلی بالادستی.

جایگزینی مدل ترمیمی به جای احکام انضباطی سنتی: در موارد تخلفات انضباطی، نشست‌های حل مسئله (با حضور مشاور مدرسه، دانش‌آموز و والدین) تشکیل شود و پیامد رفتار به صورت فعالیت‌های جبرانی و خدمت به جامعه مدرسه تعریف گردد تا مسئولیت‌پذیری آموخته شود.

پیشنهادات در سطح آموزش و توانمندسازی خانواده‌ها:

تغییر رویکرد آموزش خانواده از سخنرانی عمومی به کارگاه‌های تعاملی: آموزش روش‌های فرزندپروری مقتدرانه، شیوه‌های تنظیم هیجان، کنترل خشم و نحوه تثبیت برنامه‌ریزی روزمره در خانه از طریق برگزاری کارگاه‌های کوچک با حضور روان‌شناسان بالینی و تربیتی.

پرهیز از تخریب متقابل نزد کودک: آموزش و تأکید به والدین و کادر مدرسه مبنی بر اینکه حتی در صورت اختلاف‌نظر در شیوه برخورد با یک رفتار، اقتدار یکدیگر را در برابر دانش‌آموز نشکنند و تعارضات دیدگاهی را در جلسات محرمانه و دور از دید کودک حل‌وفصل نمایند.

پیشنهادات در سطح روش تدریس و تعاملات کلاسی معلمان:

استفاده از الگوی مدیریت کلاسی مشارکتی: معلمان در اولین جلسه درس، وضع قوانین کلاسی را با مشارکت فکری خود دانش‌آموزان به بحث بگذارند تا احساس مالکیت نسبت به قوانین ایجاد شده و انگیزه نقض قانون به حداقل برسد.

ایجاد دفترچه یا سامانه الکترونیک بازخورد مثبت هفتگی: گزارش وضعیت انضباطی به اولیا نباید تنها محدود به هنگام وقوع بحران یا خطا باشد؛ اطلاع‌رسانی منظم رفتارهای مثبت، مسئولیت‌پذیری‌ها و پایبندی دانش‌آموز به قوانین به خانواده، تقویت‌کننده رفتارهای بهنجار است.

منابع

اسماعیلی، معصومه، شفیع‌آبادی، عبدالله، و فرحبخش، کیومرث. (۱۳۹۹). تبیین الگوهای هم‌راستایی خانواده و مدرسه در حل بحران‌های رفتاری دانش‌آموزان: یک مطالعه کیفی. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱۰(۲)، ۴۵-۶۸.

افروز، غلامعلی. (۱۳۹۶). *مبانی روان‌شناختی رابطه والدین و معلمان در تعلیم و تربیت*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

حیدری، مریم، باقری، خسرو، و سجادیه، نرگس. (۱۴۰۰). واکاوی آسیب‌شناختی تعاملات نهاد خانه و مدرسه در نظام آموزشی ایران و پیامدهای هنجاری آن. *نوآوری‌های آموزشی*، ۲۰(۷۸)، ۵۵-۸۲.

دلاور، علی. (۱۳۹۸). *روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی* (ویرایش پنجم). تهران: نشر ویرایش.

شارع‌پور، محمود. (۱۳۹۸). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش* (ویرایش دوم). تهران: انتشارات سمت.

شریعتمداری، علی. (۱۳۹۶). *تعلیم و تربیت اسلامی: مبانی، اصول و روش‌ها*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

شعبانی، حسن. (۱۳۹۹). *روش‌ها و فنون تدریس: مهارت‌های آموزشی و پرورشی*. تهران: انتشارات سمت.

شکوهی‌یکتا، محسن، و پرند، اکرم. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش مدیریت رفتار به والدین و معلمان بر کاهش مشکلات رفتاری دانش‌آموزان مقطع ابتدایی. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۲۵(۳)، ۲۷۰-۲۸۳.

صافی، احمد. (۱۳۹۹). *روابط خانه و مدرسه و شیوه‌های گسترش و بهبود آن*. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.

سیف، علی‌اکبر. (۱۴۰۰). *تغییر رفتار و رفتاردرمانی: نظریه‌ها و روش‌ها*. تهران: نشر دوران.

علاقه‌بند، علی. (۱۳۹۷). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش* (چاپ چهل‌وسوم). تهران: نشر روان.

فرجاد، محمدحسین. (۱۳۹۵). *آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: نشر بدر.

قائمی، علی. (۱۳۹۵). *تربیت و بازسازی کودکان: راه‌های برقراری نظم و انضباط اخلاقی*. تهران: انتشارات امیری.

کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۹۴). *تربیت چه چیز نیست؟ (رویکردی بر تربیت منفی و بازدارنده)*. تهران: انتشارات زلال.

مطهری، مرتضی. (۱۳۹۵). *تعلیم و تربیت در اسلام* (چاپ هفتاد و دوم). تهران: انتشارات صدرا.

ملکی، حسن، و کریمی، جواد. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی اثربخشی رویکرد انضباط ترمیمی در مقایسه با انضباط تنبیهی بر رفتارهای شهروندی دانش‌آموزان. *مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی*، ۱۱(۲۱)، ۸۹-۱۱۳.

منصور، محمود. (۱۳۹۶). *روان‌شناسی ژنتیک: تحول روانی از تولد تا پیری*. تهران: انتشارات سمت.

مهرمحمدی، محمود. (۱۳۹۸). *مبانی برنامه‌ریزی درسی و جهت‌گیری‌های نوین در تعلیم و تربیت*. تهران: انتشارات مدرسه.

نوابی‌نژاد، شکوه. (۱۳۹۸). *رفتارهای بهنجار و نابهنجار در کودکان و نوجوانان*. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

هومن، حیدرعلی. (۱۳۹۶). *راهنمای تدوین گزارش‌های پژوهشی و رساله‌های علمی*. تهران: نشر پارسا.